

مبارزه مسلحانه محور تمام اشکال مبارزاتی خلق ما

مبارزه عملی مطالعه و شناخت که میبایست از مجال و حواصی جنبش کمونیستی ایران و سازمان پیمتاز آن (سازمان جریکهای فدایی خلق) نشأت گرفته و در رهگذر این تدارک سیاسی - سازمانی استخوانبندی یک تشکیلات جدی م - لایه بعنوان پشت جبهه فعال جنبش کمونیستی و انقلابی داخل از استحکام پولادین برخوردار گردد ، سهل الوصولترین و آسانترین راه را که راه همه اسلاف آنان بود برگزیدند . اینان اقدام به تشکیل گروهی نمودند که موجودیت آن با اولین شماره نشریه تئوریک در مقابله با خطمشی مبارزه مسلحانه در ایران اعلام شد و گروه با این زیربنای فکری از همان آغاز فعالیت " کمونیستی " در مخالفت با مشی جنبش نوین کمونیستی و انقلابی میهن ما جبهه آراست و تعیین جایگاه نمود . از اینرو بنیانگذاران این تشکیلات شبه مارکسیستی به احیاء همان سازمان " انقلابی " مبادرت ورزیدند تا با این تفاوت که اینبار خود بجای هیئت اجراییه آن براریکه مرکزیت جلوس نمودند و چقدر طبیعی است " جنبش تشکلهایی بهمان سادگی که بوجود میآیند از بین نیز خواهند رفت " (جمعبندی جلسه کادرها - ژانویه ۱۹۷۰)

و گروه " اتحاد مبارزه ... " بهمان سادگی که تشکیل گردید بهمان سادگی نیز بدنیاال تشدید اختلافات درونی بر سر خط و مشی جنبش دانشجویی که در حقیقت زمینه وحدت " ایدئولوژیک " گروه بود در اکتبر ۱۹۷۵ متلاشی و منحل گردید .

سرنوشت غم انگیز گروه در روند زندگی دو ساله آن که حاصل میبانی ست ایدئولوژیک ، حاکمیت مشی خورده بورژوازی و بریدی کامل از واقعیت مبارزه در ایران بود ، درصالحه بزرگی برای عناصر مقاوم و صادقی گردید که پس از نفی دیپلکسیکی مشی گروه ، از موضعی سیاسی و مبارزه جو به انتقاد از پیش و پراتیک گذشته خود پرداخته و با درک حقایق تاریخی و سیاسی خط و مشی مبارزه مسلحانه سازمانهای پیمتاز انقلابی خلق ، امکانات و نیروی خویش را در خدمت به جنبش نوین انقلابی میهن ما قرار دادند . این آموزش اگرچه به بهای دو سال اتلاف نیرو و تبلیغ مشی انحرافی گروه صورت گرفت اما خود تجربه زنده ای بود برای عناصر صادقی که شکست استراتژیک مشی گروه " اتحاد مبارزه ... " و سازمانهای مشابه فرصت طلب و شبه مارکسیستی خارج را در جریان مستقیم مبارزه تجربه کرده و به واقعیتی مستحکم دست یافتند و آن اینکه هیچ تشکیلات م - لایه ، خارج از مطالبات جنبش پیمتاز کمونیستی داخل قادر به حفظ محتوی مارکسیستی - لنینیستی و رشد سیاسی - سازمانی نخواهد بود .

از اینرو تا زمانیکه سازمانها و گروههای سیاسی خارج از کشور ، خارج از حوزه نیازمندیهای سازمانهای مسلح کمونیستی و انقلابی ایران مستقل از خط و مشی و مطالبات آنها حرکت کرده و نقش پشت جبهه فعال را در پاری به سازمانهای سیاسی - نظامی ایران ایفا نکنند ، فرجامی جز سرکشتگی هرچه بیشتر سیاسی ، بیماری مضاعف سوپروکمونیستی و سرانجامی جز شکست مشی و برنامه و تلاشی سیاسی - سازمانی در انتظارشان نخواهد بود .

شکست استراتژیک مشی گروه " اتحاد مبارزه ... " بعنوان آخرین و زنده ترین تجربه سیاسی سرنوشتی عینی جریانهای خواهد بود که با نفی دیپلکسیکی سازمانها و گروههای مشابه شبه مارکسیستی خارج نیروی خویش را در اختیار پیشروترین مشی و جریان جنبش بگذارند .

" این جریانها باید بر هرگونه تشک نظری گروهی ، بقایای بی اعتمادی و استقلال طلبی پیمای خود غلبه کرده ، ضرورت تاریخی را که در جلو چشم آنان در حال تکوین است درک کنند . " چ - ف - خ " باید پرچم وحدت جنبش انقلابی طبقه کارگر ، در حال حاضر تلقی شده و در راه اعتلای جنبش مسلحانه بکار گرفته شود . "

(جریک فدایی خلق - رفوق کبیر میهن جزئی)

شکست و تلاشی سیاسی - سازمانی گروه "اتحاد مبارزه ... " اگر چه بعنوان معلم منفی متبع آموزش برخی عناصر صادق آن گردید اما رهبری گروه و کادرهای فعال آن بخاطر غریب شدن در ستیزه های فردی و عدم مقابله سیاسی با مشی انحرافی حاکم بر گروه بدون سامان دادن بحثهای دینی و جمع بندی از زمینه و علل انحرافات گذشته و انعکاس آن در سطح علنی با همان بی مسئولیتی که این گروه را پایه نهادند با همان بی مسئولیتی در قبایل جنبش انقلابی ایران از اعلام تلاشی و انحلال گروه در سطح خارج از کشور سر باز زدند .

گروه پس از تلاشی در اکتبر ۱۹۷۵ به چند دسته تقسیم شد که هر دسته بصورت قبایل همخون بر زمین پهندهای سنتی بدور هم گرد آمدند . این دسته های سنتی با وجود پراکندگی اقلیمی و بظاهر مرزبندی با سامان قبایل دیگر هر یک با سازمانی مختلف یک تفرقه را سر داده و اپورتونیسم در جلوه های نوینی در سیاست و پراتیک آنها متجلی گشت .

و حال که شرماء از تلاشی و انحلال گروه میکزرد ناگهان مصماوران آن ، لاشعی مرده گروه را پا دم مسیحا نفس خویش زنده کرده و با نام آن در سد معامله با سازمان اپورتونیستی دیگر (سازمان مصلحتین " انقلابیون کمونیست ") در تحقق بخشیدن به آرزوهای دیرینه خویش بر آمده اند . نکته قابل تمق در زندگی سیاسی - سازمانی گروه " اتحاد مبارزه ... " اینکه بنیاد نگاران این تشکل با اولین نشریه شعوریک خود که بموضع گیری علیه مشی چریکی منجر شد ، در زمستان ۱۳۵۲ این تشکیلات کاریکا توریک کمونیستی را ایجاد نمودند و اکنون پس از گذشت دو سال بدون کوچکترین انتقاد به مشی و مواضع گذشته خود ناگهان با استفاده از فرصت مناسب ر از موضع و با شیوه " آموزگاری " و داعیه رهبری انقلاب ایران با صدور کارنامه برای بخشی از جنبش انقلابی ایران و غر و لند به پیشروترین بخش جنبش کمونیستی و انقلابی مسیحا اقدام به احیاء گروه " اتحاد مبارزه ... " نمودند (مبارک است انشاء الله !) اما حقیقت چیست ؟ :

حقیقت اینستکه اعلامیه فوریه ۱۹۷۶ گروه مرحوم " اتحاد مبارزه ... " برخلاف عنوان ظاهر فریب آن هدفی جز ایجاد زمینه وحدت دو تشکیلات اپورتونیستی خارج را دنبال نمیکند . هم اکنون اثرات معجزه آسای اعلامیه فوریه ۱۹۷۶ گروه و نفاذ آن در جریان فرصت طلب در سطح محافظان دانشجویی بخوبی مشهود است و زعمای دو گروه نامبرده پس از يك سال سنگر بندی و انتشار ده ها اعلامیه جزوه و گزارش علیه یکدیگر ناگهان سنگر مقابله را ترک و متحداً علیه جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی دانشجویان خارج از کشور (کشف - واسمون جهانی) خیز گرفتارند . روشن است زمینه این ایجاد عمل تنها در نزدیکی مشی و برنامه و همچنین وحدت تشکیلاتی - سیاسی این دو گروه بی پرسش قابل تفهیم میگردد . کوتاه سخن اینکه نتیجه عملی سیاست گروه " اتحاد مبارزه ... " در روند حیات دو ساله آن مبین این واقعیت بود که این گروه نه تنها باری از کرده جنبش کمونیستی ایران بر نداشت بلکه بر خلاف نام خویش همانند سازمانهای شبه مارکسیستی خارج در خدمت ایجاد اغتشاش ، انحراف و سردرگمی در خارج از کشور بود . و حال نیز که لاشعی این تشکیلات را عده ای وجه معامله با دیگران نموده اند ، میراث خواران همان اپورتونیسم رهمان بی شعری مشی و عمل و خلاصه همان کهنه تگرشهای کارمیرستی بیش نیستند . اگر احیاء کنندگان گروه مرحوم " اتحاد مبارزه ... " کسب حیثیت و اعتبار را در نعت کشی تشکیلاتی مرده و بی اعتبار میبایند پس دعوایشان یا سازمان توفان که مالهات گرد فریح حزب توده طواف میکند ، بر سر چیست ؟

(آلمان غربی - آوریل ۱۹۷۶)